

حرقه پتروشیمی آیا حریق نفت را شعله ور خواهد ساخت؟

وزیرنفت، از جمله به این مسئله اشاره شده است که سهام سه پتروشیمی اراک، اصفهان و خارک از طریق بورس به فروش رسیده و پرسنل این سه پتروشیمی به بخش خصوصی منتقل شده‌اند و ازین پس، وزارت نفت دربرابر آنان هیچگونه تعهدی ندارد. دو روز بعد از انتشار این نامه (چهارشنبه ۷ آبان) حدود ۸۰۰ تن از کارگران وکارکنان پتروشیمی اراک، در اعتراض به این مسئله، دست به اعتراض و تجمع زدند و ضمن ابراز مخالفت شدید با این تصمیم، خواستار لغو آن شدند. اعتراض کنندگان در عین حال تهدید کردند چنانچه به خواست آنان رسیدگی نشود، جاده اصلی کنار این پتروشیمی رامسدود

صفحه ۲

صدای اعتراض و اعتصاب اخیر کارگران و کارکنان پتروشیمی که از روز دوشنبه پنجم آبان ماه آغاز شده و هنوز ادامه دارد، به رغم اراده و تلاش حاکمان در خفه کردن این صدا و یا گم ساختن آن در میان انبوهی از موضوعات جنجال برانگیز، درضایی سیاسی جامعه پیچیده است و بسیاری از چشم‌ها و نگاه‌ها را متوجه خود ساخته است. نامه محمد رضا نعمت زاده رئیس سازمان پتروشیمی به زنگنه وزیر نفت، مبنی بر انتقال کلیه کارکنان سه شرکت پتروشیمی اراک، اصفهان و خارک به بخش خصوصی که روز دوشنبه ۵ آبان و سی‌یکا در میان کارگران پتروشیمی اراک پخش شد، اعتراضات وسیعی را در میان کارگران و کارکنان برانگیخت. در نامه رئیس پتروشیمی به

دیواری علیه مردم فلسطین

دولت نژاد پرست اسرائیل از ۲۲ ژوئیه ۲۰۰۲ میلادی آغاز به ساختن دیواری در سرزمین های اشغالی کرده است و آن را دیوار حفاظتی یا امنیتی توصیف می‌کند، اما این دیوار به درستی از سوی تمامی مدافعان حقوق مسلم مردم فلسطین دیوار آپارتمایند نام گرفته است. دیوار آپارتمایند ۸ متر ارتفاع دارد و در مرحله نخست به طول ۱۴۸ کیلومتر درازا می‌شود و سرانجام ۶۵۰ کیلومتر درازا خواهد داشت. این دیوار که برای هر کیلو-مترش یک میلیون دلارهای زیربنای دیواری شده با ضبط وسیع ترین سرزمین های فلسطینیان، پس از سال ۱۹۶۷، همراه خواهد بود و نیمی از مساحت کرانه غربی رود اردن را در برخواهد گرفت. با ساختن این دیوار ۱۲۰ هزار فلسطینی باید خانه و کاشانه خود را رها کنند و حتا از فلسطین خارج شوند.

دیوار آپارتمایند ۹۵۶ هکتار زمین را در بخش غربی خود از کرانه غربی رود اردن جدا خواهد کرد و بیچ و خم های آن نیز ۶۵/۵ هکتار دیگر را در اختیار خواهد گرفت و ۱۱۴ هکتار نیز در اثر ساخت دیوار از میان خواهد رفت. دیوار آپارتمایند ۱۸ شهر و روستای فلسطینی را در بخش غربی خود قرار می‌دهد و ۱۹ نقطه دیگر در بیچ های آن محبوس خواهد شد. ساخت دیوار آپارتمایند تاکنون ریشه کنی ۸۳۰۰ درخت عمده تا زیتون و نابودی ۳۵۰۰۰ لوله آبیاری و نابودی ۱۱۴ هکتار زمین کشاورزی را در پی داشته است. ساختمان تاکنونی دیوار آپارتمایند به دولت اسرائیل این امکان را داده است تا ۳۱ چاه آب را در اختیار خود بگیرد کهاین موضوع فلسطینیان را از ۴ میلیون متر مکعب آبدار سال محرومی کند. زندگی در پشت دیوار آپارتمایند فلسطینیان را از ابتدایی ترین حقوق انسانی محروم

صفحه ۲

در این شماره

مبادر طبقاتی و رهائی زنان (۳۳) ۴

خبری از ایران

پیام همیستگی سازمان فدائیان (اقلیت)
به کارگران اعتضابی فورد در بلژیک ۶

форوم اجتماعی اروپا و چشم اندازهای آن

۲۰۰۲ در فلورانس- ایتالیا برگزار شد، محلی است برای گردهم آیی و تجمع نیروهای "آنترنال گلوبالیست". البته واژه "آنترنال گلوبالیست" به دلیل ایجاد سوء برداشت‌ها، به تدریج جای خود را به واژه دقیق‌تر "آلترنال گلوبالیست" داده است. این نیروها، طیف وسیعی از نمایندگان سیاسی اقتشار و طبقات مختلف اروپا را تشکیل می‌دهند که از منافع متفاوت و متصاد طبقاتی دفاع می‌کنند. از همین روست که مجموعه نیروهای تشکیل دهنده را که در مقطع فعلی که فاقد همسویی طبقاًی‌اند، مجموعه‌ای "رنگین کمانی" می‌نامند.

نقده مشترک این نیروها، مخالفت با روند سیاسی - اقتصادی است که در اتحادیه اروپا و جهان در جریان است. برخی مخالفتها از زاویه رادیکال، این پرسه را نقد کرده و برخی دیگر از موضوعی ارجاعی. در شرایط فعلی در غیاب یک قطب قدرتمند درست و سوداًن به این روند، این گرایشات متصاد در کنار یکدیگر قرار گرفته‌اند. اما بدیهی است که تحت چنین شرایطی امکان طرح و تدوین مبانی روش

صفحه ۵

دیواری علیه مردم فلسطین



خبری از ایران

* تجمع اعتراضی کارگران در بیزد

جمع زیادی از کارگران واحدهای تولیدی استان بیزد روزسه شنبه ۱۳ آبان، در برابر ساختمان مرکزی سازمان تامین اجتماعی و نیز در برابر اداره کل کار و امور اجتماعی، دست به تجمع زدند. این کارگران نسبت به عملکرد کیته های تشخیص مشاغل سخت و زیان آور اعتراض نموده و خواستار پایان بلاکلیفی خود شدند.

* اعتراض به پائین بودن دستمزدها

روز پنجشنبه هشتم آبان، نزدیک به یکصد تن از کارگران کارخانه قند پاسوچ در اعتراض به پائین بودن دستمزدها و عدم پرداخت حقوق و مزایای خویش دست به تجمع اعتراضی زدند. از جمله دلائل دیگر اعتراض کارگران، سوء مدیریت، تبعیض و ایجاد نفاق در بین کارگران بوده است. در برابر این اقدام اعتراضی کارگران، مدیر عامل کارخانه نزدیک به ۱۶۰ نفر از هم طایفه های خود را که به سلاح سرد مجهز بودند، به کارخانه آورد تا با ترساندن و ضرب و شتم کارگران، با آنان مقابله کند. کارگران گفته اند تا به خواست های آنان پاسخ داده نشود و مدیریت کارخانه تغییر نکند به اعتراض و تحصن ادامه خواهد داد.

* تجمع و تحصن کارگران نختاب تبریز

روز چهارشنبه ۱۴ آبان نزدیک به هفتاد تن از کارگران شرکت نختاب فیروزان تبریز، در اعتراض به عدم پرداخت دستمزد و سایر مطالبات خود، در برابر کارخانه دست به تجمع زدند. کارگران باشکستن شیشه های نگهبانی کارخانه و آتش زدن لاستیک، مراتب اعتراض خویش را اعلام نموده و خواستار رسیدگی به مشکلات خود شدند. به رغم حضور نیروهای انتظامی و سرکوب گر، حدود ۲۰ تن از کارگران، شب را نیز در محل کارخانه ماندند و دست به تحصن زدند.

* تجمع کارگران در کاشان

بیش از ۳۰۰ تن از کارگران کارخانه های ریستندگی و بافنده کاشان (شماره ۱ و ۲ و ۳)، صبح روز چهارشنبه ۱۴ آبان در برابر کارخانه دست به تجمع اعتراضی زدند و خواستار پرداخت حقوق های معوقه خود شدند. کارگران پلاکارد هایی نیز با خود همراه داشتند که بر روی آن نوشته شده بود "ما کارگران خواستار دریافت حقوق ۹ ماهه و بن های ۸۰ و ۸۱ هستیم" نیروهای انتظامی و سرکوبگر، پس از دو ساعت کارگران را متفرق ساختند.

و سیاسی را نیز که امضاء کرده بود با ساختن دیوار آپارتايد لگد مال می کند. دولت اسرائیل تنها کنوانسیون ها و قرارداد ها و قطعنامه های بین المللی را زیر پا نمی کند و آن را در روتاستی زیتا که در ۱۰ کیلومتری شهر طولکرم قرار دارد ۳۰ درصد زمین ها در اثر ساختن دیوار آپارتايد از بین رفته است. ۵۰۰ خانواده این روستا وادر شدند تا برای ادامه زندگی از سازمان های بشر دوست تقاضای نان و آب کنند. در همین منطقه و در فاصله ۲۲ کیلومتری طولکرم روستای دیگری وجود دارد به نام قفین. دولت اسرائیل در سال ۱۹۴۷ نزدیک به ۷۰٪ زمین های این روستا را اشغال کرد و اکنون برای ساختن دیوار نگینش ۶۰٪ زمین های باقی مانده را نیز گرفته است. در این روستا ۱۰۰۰ درخت زیتون را ریشه کن کردن و پس از ساختن دیوار ۱۲۰۰۰ درخت به تصاحب دولت نزد پرست اسرائیل درآمد. دیوار آپارتايد تنها دیواری به طول ۶۵۰ کیلومتر و ارتفاع ۸ متر نخواهد بود. در یک سوی دیوار در هر ۳۰۰ متر، برج های مراقبت و دوربین های کنترل وجود خواهند داشت که در آنها سربازان و دوربین های ماورا قرمز اسرائیلی حرکت کم ترین جنبه ای را زیر نظر خواهد گرفت. در آن سوی دیوار نیز جاده ای ساخته می شود که گشته های اسرائیلی در آن حرکت خواهند کرد و در بخش پائینی خواهد شد و در بالای خندق یک ردیف سیم خاردار کشیده خواهد شد. کزارشگر ویژه سازمان ملل متحد در ماه مه ۲۰۰۳ به کیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی اعلام کرد که دولت اسرائیل با ساختن دیوار آپارتايد مواد ۶ و ۷ و ۱۱ و ۱۲ کنوانسیون بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را زیر پا گذاشتند است، کنوانسیونی که به امضا این دولت اشغالگر هم رسیده است. دولت اسرائیل هم چنین مواد ۱ و ۱۷ و ۱۹ کنوانسیون بین المللی حقوق مدنی

حوقه پتروشیمی آیا حريق نفت را شعله ور خواهد ساخت؟

شده است . شاه بیت برنامه سوم توسعه اقتصادی دولتخاتمی، همین خصوصی سازی و واگذاری بخش های دولتی به بخش خصوصی بوده است. اگر در آغاز یعنی در زمان رفسنجانی هنوز ملاحظه می شد و به صراحت از واگذاری بخش های کلیدی صحبت نمی شد، اما بعداً همه پرده ها کنار زده شد و دولت دیگر نیازی به حفظ ظاهر و تظاهر به حجب وحیا، ندیده است.

مسئله خصوصی سازی ها و فعالیت سرمایه های خارجی، نه فقط بخش هایی مثل بهداشت و درمان، بانکداری، بیمه، پست و تلفن، دخانیات، قند و شکر و غیره را در بر گرفت، بلکه به بخش هایی مثل استخراج نفت و گاز، پالایش، پخش و حمل و نقل نفت و فرآورده های نفتی نیز تعیین یافت. تا آنجا که به شرکت های وابسته به صنعت نفت به ویژه پتروشیمی ها مربوط می شود، طبق تصمیمات هیئت عالی واگذاری سهام، تنها در نیمه اول سال ۸۱، چهارده شرکت وابسته به صنعت نفت، می باشند که بخش خصوصی واگذار می شده است که پتروشیمی تبریز، پتروشیمی بذر امام، پتروشیمی خراسان، پتروشیمی رازی، پتروشیمی اصفهان، پتروشیمی اراک، پتروشیمی شیراز، پتروشیمی خارک و نیز شرکت عملیات غیر صنعتی و خدمات پتروشیمی، حمل و نقل و ترجیح کالا، شرکت مهندسی و ساختمان نفت و ... از جمله این شرکت ها بوده اند. علاوه بر این در اواسط سال گذشته، دولت برای تامین ۱۰ هزار میلیارد ریال کسری بودجه خود، تصمیم گرفت از طریق فروش زیر مجموعه های چند وزارت خانه مثل وزارت نفت و ترابری (شامل شرکت های توسعه راه ایران، هوا پیمایی و راه آهن) وزارت نیرو (شامل شرکت های ساخت و تهیه کالاهای آب و برق) وزارت صنایع (شامل شرکت های زیر مجموعه سازمان گسترش و نوسازی صنایع، سازمان توسعه و نوسازی معدن) و وزارت نفت (شامل شرکت های زیر مجموعه این وزارت) این کسری بودجه راتامین کند و گفتنی است که ۴ هزار میلیارد ریال از رقم ۱۰ هزار میلیارد ریالی کسری بودجه باید از محل فروش زیر مجموعه های وزارت نفت تامین می شد! این سیاست کماکان ادامه دارد. گفته شده است در سال جاری نیز ۹۵۰ میلیارد تومان سهام شرکت های دولتی باید واگذار شود که تاکنون ۲۱۰ میلیارد تومان سهم واگذار شده است. به هر رو این نکته کاملاً روشن است که یکی از محور های مهم سیاست های اقتصادی جمهوری اسلامی، سیاست خصوصی سازی و به حراج گذاشتن دسترنج کارگران و شرکت های ملی و عمومی است . دولت در واقعیت امر نمی خواهد مسئولیت کارگران و کارکنان واحدها و موسسات دولتی را بپذیرد و در برابر آنها تعهدی داشته باشد و می

خواهد ساخت و به اعتراضات خویش در اشکال دیگری نیز ادامه خواهد داد. به دنبال اعتراض کارگران پتروشیمی اراک، کارگران پتروشیمی اصفهان و خارک نیز در اعتراض به تصمیم دولت و در همبستگی با کارگران پتروشیمی اراک، از صبح روز مهلت ۴ ماهه برای پتروشیمی های خصوصی شده قائل شده و دولت، وزیر کشور را برای متوقف ساختن اعتراضات کارکنان پتروشیمی واسطه کرده است، کارگران پتروشیمی اراک با انتخاب یک هیئت ۲۰ نفره، مصممانه مطالبات خویش را پیگیری می کنند و کارگران پتروشیمی خارک هشدار داده اند چنانچه به مطالبات کارگران پتروشیمی ها رسیدگی نشود، از روز دوشنبه ۲۶ آبان به اعتراضات خویش در شکل کاهش سطح تولید، ادامه خواهد داد. به هر رو این تلاش ها و تهدید ها نه فقط اعتراضات کارگران و کارکنان پتروشیمی های اراک، اصفهان و خارک را خاموش نساخته است، بلکه این اعتراضات به کارکنان و کارگران سایر واحدهای زیر مجموعه وزارت نفت که به بخش خصوصی واگذار شده یا در حال واگذاری اند نیز تسری یافته است. هم اکنون صدای اعتراض کارگران و کارکنان شرکت خدمات اکتشاف نفت که مدت ۴ سال است با آنان، گاه به عنوان کارکنان منتقل شده به بخش خصوصی ومنفذ از شرکت نفت و گاه به عنوان زیر مجموعه شرکت نفت رفتارشده رسانتر از گذشته، بلند شده است. کارگران و کارکنان این شرکت، ضمن اعتراض به این نحوه برخورد، خواهان آن شده اند که تحت هر شرایطی زیر پوشش شرکت ملی نفت ایران بمانند و در نامه ای به صراحت گفته اند که هرگز انتقال از شرکت نفت به شرکت های تابعه و خصوصی را نمی پذیرند. در عین حال آخرین خبرها حاکی از آن است که ۶۰۰ نفر پرسنل پتروشیمی ایجاد نیز با برپایی یک اجتماع اعتراضی در روز ۲۱ آبان، به صفحه چند هزار نفره اعتراض کنندگان بیوسته اند و با انتخاب یک هیئت نمایندگی ۱۱ نفره و همراهانگ ساختن مبارزات خود با کارگران سایر پتروشیمی ها، مطالبات خود که مطالبات مشترک کارگران و کارکنان پتروشیمی خصوصی سازی شده است را دنبال می کنند.

معضل خصوصی سازی در صنعت نفت

خصوصی سازی یکی از محورهای سیاست "تعدیل اقتصادی" است که زمان رفسنجانی و مطابق رهنمودهای بانک جهانی و صندوق بین المللی پول در حال اجراست که با روی کارآمدن خاتمی، با پیگیری بیشتری تعقب

تلاش مقامات و مسئولین دولتی و نمایندگان وزارت اطلاعات در خارک برای خواباندن اعتراض، انتشار نامه رئیس سازمان امور اداری پتروشیمی و معافون نعمت زاده که در آن برحق انتقال، بازخرید شدن و ادامه خدمت کارکنان پتروشیمی های خصوصی سازی شده دروزارت نفت تأکید شده است، و کوشش ها، تهدید ها و ترفند های دیگری از این قبیل، هیچکدام کارساز نبوده است.

رژیم جمهوری اسلامی را باید با یک اعتساب عمومی سیاسی و قیام مسلحانه برانداخت

مبارزه طبقاتی و رهائی زنان (۳۲)

انتشارشیریه "زن‌کارگر" در روسیه، موضوع قسمت قبلی از کتاب مبارزه طبقاتی و رهایی زن بود. در این شماره، مبحث زیر ترجمه و درج می‌گردد:

علیه جدائی طلبی

Anna Babroff مورخ متقد بلشویسم، از این که لنین همواره اصرارداشت که فعالیت‌های زنان تحت رهبری حزب باشد، گلایه می‌کند. وی می‌نویسد:

"زنان بلشویکی که Rabotnista را منتشر می‌کردن، در ارتباط نزدیک با لنین بودند و گرچه هر دو هیئت تحریریه داخل و خارج روسیه تماماً از زنان نویسنده سوسیالیست‌demokratis تشكیل شده بودند، لنین در صورت بروز مشکل، حق وتو داشت."

به علاوه او می‌گوید: حق رای برابر، برای کلیه اعضای تحریریه در داخل و خارج روسیه، وسیله‌ای بود که کنترل سیاست اکثریت تحریریه توسط لنین و افرادی که نزدیکترین تماس‌ها را با او داشتند، تامین کند. مثلاً آشکار آن، در کنگره بین‌المللی زنان در برن در مارس ۱۹۱۵ رخ داد: "لنین در رستورانی در نزدیکی محلی که جلسه کنگره برگزار می‌شد، نشسته بود و چای می‌نوشید . . . زنان بلشویک که تحت رهبری لنین فعالیت می‌کردند، قطعنامه‌ای را ارائه دادند که در آن قطع فوری رابطه سازمانی با اکثر احزاب موجود سوسیالیست و تشکیل یک انترباسیونال جدید خواسته شده بود . به رغم مخالفت چشمگیر سایر نمایندگان، بلشویک‌ها از پس‌گرفتن قطعنامه خودداری کردند. اما نظر به این که در آن لحظه نشان دادن اتحاد بین‌المللی سوسیالیست‌ها حائز اهمیت جدی بود، سرانجام کلارا زتکین، در اطاقی جداگانه با زنان روسی و لنین به مذاکره پرداخت. در اینجا بود که لنین سرانجام با سازش موافقت کرد. (آنا بالابانوف- زندگی من به عنوان یک شورشی - ۱۹۷۳ صفحات ۳-۲۱) این‌نمونه دیگری است از مقاومت بلشویک‌ها در برابر سازمانیابی زنان کارگر درگرد هم - ای‌های زن. (همانجا - صفحات ۵-۵۶۴)

متاسفانه Anna Babroff همچون بسیاری از غیر مارکسیست‌ها، دلائل مربوط به نقش حزب سوسیالیست افقلابی و "سانترالیسم دمکراتیک" را بدان گونه که توسط لنین مطرح می‌شد، درک نمی‌کند. به گفته مارکس، طبقه کارگر، موضوع تاریخ است و بنابراین در مبارزه برای رهایی اش، باید برابر رهایی تمام بشریت، یعنی همه آنهايی که تحت ستم اند، مبارزه کند. به همین علت، هیچ امتیازی نمی‌توان به ایده‌های متداوی بورژوايی که کارگران را بر اساس نژاد و جنسیت و ملیت منقسم می‌سازد، داد. این خصوصاً در مورد رهایی است که نقش اش رهبری طبقه کارگربرای کسب قدرت است.

تومان خسارت حاصله از ناحیه کاهش صید شدند. در حالی که مجوز پرداخت این مبلغ نیز صادر شده است، اما بیش از ۸ ماه است که پرداخت آن معوق مانده است. صیادان در نامه خود، همچنین خواستار صدور مجوز تجمع و راهپیمایی برای روز ۱۸/۸/۸۲ شده‌اند.

* نامه اعتراضی

کارکنان خدمات و پشتیبانی صنعت نفت، دراعتراض به تعطیلی فروشگاه‌های زنجیره - ای صنعت نفت، نامه اعتراض امیزی به خاتمه نوشته و خواستار رسیدگی به وضعیت خود شده‌اند.

* اعتراضات دانشجویی

- دانشجویان صنعت نفت آبادان دراعتراض به کمبودهای آموزش و رفاهی، دست به تحصن زدند.

- روز ۱۳ آبان دانشجویان دوره شباهن دانشگاه اصفهان، در اعتراض به کمبودها و نارسایی‌های رفاهی و آموزشی و در اعتراض به افزایش بیش از حد میزان شهریه ثبت نام، در برابر ساختمان معاونت آموزشی دست به تحجم اعتراضی زدند. لازم به ذکر است، میزان شهریه نسبت به سال گذشته سه برابر شده است!

- در همین روز ۱۳ آبان، بیش از ۴۰۰ تن از دانشجویان دانشگاه قم، در اعتراض به پائین بودن کیفیت غذا و سرویس دهی و سایر نارسایی‌ها و کمبودهای آموزشی و رفاهی دست به اعتضاب زدند و در محوطه سلف سرویس دانشگاه تجمع کردند.

* چند خبر کوتاه

- شرکت تراز ایران، شکوه کام و کارخانه پارس چرخ در قزوین تعطیل و بیش از ۱۰۰ کارگر کار خود را از دست دادند.

- رئیس کارخانه صنعت و معدن در زمینه ناچیزبودن دستمزدهای کارگری چنین اعتراض کرد که "در وضعیت فعلی سه برابر حقوق و دستمزدی که به حقوق بگیران و مستمری بگیران پرداخت می‌شود، می‌تواند زندگی آنها را تامین کند که البته یک سطح ایده‌آل نیست!"

- به دنبال تعطیلی کارخانه شهرضاً جدید در استان اصفهان، ۱۷۰ کارگر دیگر بلاکلیف و بیکارشدن.

- روز دهم آبان، رانندگان خطوط تاکسی رانی نظر آباد، هشتگرد کرج و آبیک، برای چندمین بار دست از کار کشیدند و در برابر فرمانداری دست به تحجم زدند.

اخباری از ایران

* تحصن اعتراضی کارگران در برابر اداره کار

دها تن از کارگران واحدهای صنعتی بندر "امام خمینی" باری دیگر در برابر ساختمان اداره کار دست به تحجم زدند و نسبت به عملکرد این اداره به نفع پیمانکاران اعتراض شدند. کارگران هشدار دادند چنان‌چه این رویه ادامه پیدا کند، به تحجمات اعتراضی خود ادامه خواهد داد. به گزارش اینها، این سومین تجمع کارگران ظرف یک ماه گذشته بود و پس از آن که بخشدار برای رسیدگی به خواست کارگران قول مساعد داد، کارگران به تجمع اعتراضی خود پایان دادند.

* تجمع اعتراضی کارگران شرکت‌گاز

صبح روز شنبه ۲۴ آبان، شمار زیادی از کارگران و لوله کشان شرکت گاز قم، در برابر این شرکت دست به تحجم اعتراضی زدند. نماینده تجمع کنندگان به خبرنگار اینسا نگفت: علت این تجمع اعتراض به شیوه عملکرد سازمان نظام مهندسی و همین طور تغییر مداوم قوانین و مقررات این سازمان است.

* تحصن پرستاران اراک

بیش از ۱۵۰ تن از پرستاران بیمارستان ولی عصر اراک، در اعتراض به مشکلات مربوط به فشار کار و کمبود نیروهای انسانی، نداشتند بیمه درمانی وامنیت جانی، در محوطه بیمارستان به یک تحصن سه روزه دست زدند. اعتراض کنندگان هشدار دادند چنان‌چه به خواست های آنها ن رسیدگی نشود، تجمعات اعتراضی دربرابر استانداری و جلوی دانشگاه علوم پزشکی برگزار خواهد کرد.

* اعتضاب معلمان در میاندوآب

دبیران دبیرستان شهرستان میاندوآب، در اعتراض به وضعیت حقوقی و معیشتی خود از روز یکشنبه ۱۸ آبان دست به اعتضاب زدند. روز دوم اعتضاب، فرماندار و مدیریت آموزش و پرورش به همراه حراست این اداره، در چند دبیرستان حاضر شدند و سعی کردند از ادامه اعتضاب و تحصن دبیران جلوگیری کنند که موفق نشدند.

* نامه اعتراضی

اتحادیه شرکت های تعاونی ماهی گیران گیلکای استان مازندران در نامهای به وزیر کشور، خواستار پرداخت مبلغ ۴/۵ میلیارد

اصل فوروم اجتماعی اروپا و چشم اندازهای آن



به برگزاری رفراندوم اکتفا می کند و شهر - وندان اروپا را به رفراندوم فرا می خواند. دیگری مفاد قانون اساسی را به نقد می کشد و خواهان طرح انتراتیوی برای طرح فعلی است. دیدگاه اول در نظر نمی گیرد که حتاً شهروندان اروپا رای منفی به طرح فعلی قانون اساسی دهد، آلتراتیو دیگری نیست که جایگزین گردد و لذابروسه تضمیم - گیری ها رجعتی است به همان سیستم غیرdemocratic سبق... به هر رو با وجود این که ما با دیدگاه ها و نظرات متفاوت مواجهیم، اما براین باوریم همپای نزدیکی - های سیاسی و نظری، مباید به گسترش همبستگی در میان نیروهای اپوزیسیون دامن بزینیم. خصوصاً که برخی اتحادیه های کارگری با انجام دستمزد ها و کاهش خدمات رفاهی و... توافق کرده و عملاً به سیاست های نولیبرالی همگام شده اند. ماین جا با عضای اتحادیه های سروکار داریم که با این تضمیمات مخالفند. اینها نیروی بالقوه فوروم هستند. مایاجوانانی سروکار داریم که گرچه در دو اجلاس اخیر نظاره گر بودند اما باید به بازیگر تبدیل شوند. این ها همه وظایفی است که پیش روی فوروم است.

وجود این دو دیدگاه نیز در مباحث جاری در طول اجلاس فوروم مشهود بود. یکی از صحنه هایی بروز این تفاوت، مسئله زنان بود. مسئله زنان در این اجلاس مورد توجه فراوان بود. امتناع اجلاس با برگزاری مجمع عمومی زنان بود. در روز ۱۲ نوامبر بیش از دو هزار زن از ۱۳۰ اسازمان و گروه زنان از اقصا نقاط اروپا در مراسم گشایش شرکت داشتند. شعار محوری "روپایی دیگر بدون مشارکت زنان متصر نیست" بود. طی مباحث متعدد، وضعیت حساس زنان در اروپا در حیطه اشغال، بیکاری، بیمه بیکاری، خشونت، قوانین و... ترسیم گردید. اما در بخش مربوط به ارائه راه حل ها، دیدگاه - ها به دو بخش تقسیم می شوند. بخشی که خواهان احیاء فمینیسم در اروپا بودند،

دامن زدن و تسریع این تمایزات بود. در غیر این صورت جنبش مقاومت علیه نولیبرالیسم با تأخیر فراوان وارد میدان می شد. به طور مثال موضع تدوین قانون اساسی اتحادیه اروپا رادرنتریگریست. اساس تشکیل اتحادیه اروپا غیر دمکراتیک بود و اساساً قانون اساسی تاکنون وجود نداشته است. آن چه مبنای قرار گرفته بود، قراردادهای رم (۹۸۵) و نیس (۲۰۰۱) بودند که نقشی برای نمایندگان و برگزیدگان شهروندان اروپایی در مجالس و پارلمان های محلی قائل نبودند. به لحاظ اقتصادی پایه اتحادیه اروپا بر همان سیاست های بازار گذارده شده و روندی که ما شاهدش هستیم در واقع در سال ۹۲ بنا نهاده شده بود. از همین راست که ما طی سال های گذشته در سراسر اروپا پروسه خصوصی سازی در برق، مخابرات، پست، حمل و نقل عمومی را عملی از سر گرانده ایم. ورود پول مشترک اروپا، گام بعدی این پروسه بود و با تشکیل بانک مرکزی اروپا، دست نمایندگان محلی شهروندان اروپا در سیاست های اقتصادی عملی کوتاه شد. اما الان ما با بحث تدوین یک قانون اساسی روپروره استیم که مفادش پیشاپیش مورد اجرا گذارده شده است. تفاوت این قانون اساسی در مقایسه با قراردادهای پیشین در این است که حداقل قانون اساسی موجود است اما مفاد آن، دولتها را در گیریست گذاری های اتحادیه اروپا می کند و نه نمایندگان و برگزیدگان شهروندان را. این قانون اساسی که مبتکر و طراحش رئیس جمهور پیشین فرانسه والری زیسکار دیستن است، از نزدیکی بیشتر با NATO دفاع می کند و در عمل تشیید میلیتاریسم در اروپا را به دنبال دارد. همچنین برنامه ریزی اقتصادی در اروپا طبق این طرح کاملاً از حدود اختیارات دولت های ملی خارج و تابع منافع اتحادیه می گردد. حال در مقابل طرح این قانون اساسی در میان فوروم اجتماعی اروپا، دو دیدی که قبلاً به آن اشاره کردیم چنین موضع می گیرند. یکی

ناممکن است. آنچه طی دو سال گذشته مورد بحث بوده، نزدیکی و اتحاد بین نیروهای همسو است. روند وقایع در جهت تحقق این امرند. در واقع هدف از ایجاد چنین فورومی از بدو امر، تسریع همسویی جریانات و سازمان هایی است که در کشورهای مختلف اروپا در جنبش های کارگری، زنان، محیط زیست و... فعالند. ناهمگونی در شرایط اقتصادی سیاستی در اروپا و خصوصاً وجود تفاوت های آشکار در شرق و غرب اروپا، موقعیت های متفاوتی را پیش روی جنبش ها در این کشورها قرار می دهد. از همین رو تحلیل و بررسی این ناهمگونی ها و چگونگی سامان دادن به مبارزه ای مشترک با اذعان به این تفاوت - هاست. این مباحث و غلبه بر معضلات موجود خصوصاً از سوی نیروهای رادیکال چپ طی دو سال گذشته در جلسات کمیته ۲۰۰ نفره هماهنگی فوروم اجتماعی اروپا مورد بحث و بررسی قرار گرفته اند. "فرانک سلاگر" یکی از اعضای این کمیته است. وی در مورد چشم اندازهای فوروم اجتماعی اروپا می گوید: "در کلیه زمینه ها و قلمرو های مبارزاتی در چارچوب اروپا ما با دو دیدگاه مواجه ایم. دیدگاه اول معتقد است که اتحادیه اروپا، آلتراتیوی است در مقابل آمریکا لذا نباید با طرح خواسته ای افراطی، اتحادیه اروپا را مجبور به گرایش به طرف سیاست های اقتصادی - سیاستی آمریکا کنیم. بلکه باید به تدریج و مرحله به مرحله از این امر مانع شویم. این دیدگاه به طور مثال در مقابل یکی از مباحث اساسی اتحادیه اروپا، یعنی قانون اساسی آن، تنها به انجام رفراندوم برای پذیرش یا عدم پذیرش آن تاکید می کند. دیدگاه دوم، نولیبرالیسم را مرحله ای از ساختار اقتصادی - سیاستی اروپا ارزیابی می کند و آن را ناگزیر می داند. این دیدگاه از راه مقابله با آن را مقابله ای ساختاری و درهم شکستن آن می داند. این دیدگاه معتقد است، ساختار فعلی خواه ناخواه به درگیری های بیشتر اجتماعی و بحران های عظیمتر می انجامد.

این دو دیدگاه خود را در کلیه اجزاء نیرو - های تشکیل دهنده فوروم نمایان می سازند خواه در اتحادیه های کارگری باشد، خواه در سیاست های خارجی اروپا. طی پروسه ای این دو دید، روش تر خود را نشان می دهند و شاید هم در مقابل هم قرار گیرند اما در مرحله فعلی می توان گفت فوروم اجتماعی اروپا در وضعیت "زلاتینی" قرار دارد که این نیروها را به رغم تفاوت نظری بعض اعمی در کنار هم قرار می دهد. پیش رد سیاستهای اقتصادی اتحادیه اروپا، بر وضعیت فوروم هم تاثیر خواهد گذاشت و قطعاً ما شاهد پاریزاسیون در فوروم خواهیم بود. امری که از ابتدا نیز به آن اذعان داشتیم. زیرا فوروم اروپا به عنوان کاتالیزوری برای

فوروم اجتماعی اروپا و . . .

از زنان شرق اروپا دعوت به عمل می‌آورند که "با پیوستن به خواهران غربی‌خود، خون تازه در رگ های فمینیسم جاری گرداند."

بخشیدیگر که از قضا نمایندگان سازمان‌ها و گروههای زنان از کشورهایی شرق اروپا بودند ضمن تاکید بر وضعیت نابرابر زنان در این کشورها، مطرح می‌نمودند که اساساً در این کشورها به رغم وجود نابرابری ها، سخنی از فمینیسم نیست. آنها خود را فعالیت‌جنبش زنان می‌دانند، چرا که در این

کشورها تحولات اقتصادی - سیاسی دهه گذشته وضعیت زنان را به یک باره در کلیه عرصه های حقوقی، سیاسی، اقتصادی دگرگون ساخته است. لذا مبارزه‌انها مبارزه - ای است در کلیه عرصه ها، به طور مثال نماینده ای از سازمان زنان در جمهوری چک‌اچهار داشت: تا قبل از تحولات سیاسی سال های اخیر، ما در ارگان‌های سیاسی و پارلمان و کابینه ۵۰ درصد نمایندگان

زن داشتیم در حالی که در حال حاضر حتاً یک زن هم دراعضای کابینه دیده نمی‌شود. درآمد زن و مرد که پیش از این برابر بود به ۲۵ درصد کمتر از مردان است." نماینده دیگری از جمله موضوعات دیگر، تجاوز و جنگ

طلبی و اشغال عراق بود که در جلسات متعدد بحث و بررسی شد. سیاست های اقتصادی در اروپا که خود را در خصوصی سازی ها متبلور می‌سازد از جمله دیگر مباحثت بود.

لازم به ذکر است که از جمله میهمانان این فوروم لیاخالد بود که در زمینه درگیری و اشغال فلسطین توسط اسرائیل سخنرانی نمود.

آلیدا گوارا، دختر چه گوارا نیز در جلسه بحث مربوط به رابطه اروپا و آمریکای لاتین با ارائه سخنرانی، حضور یافت.

وجود و برگزاری جلسات فوق، محلی بود برای آشنازی گروههای سازمان‌ها، تشکل‌ها و نظرات با یکدیگر. همسویی و اتحاد پایدار مبارزاتی بین نیروهای شرکت‌کننده گام بعدی است. قطعاً بحران اقتصادی در اروپا، تاثیرات خود رادر بلوک بندیهای درون فوروم خواهد گذار. اولین اجلاس فوروم در ایتالیا، نقطه عزیمت خود را بر مبارزه علیه جنگ در عراق گذارد بود و دومین

اجلاس بر مبارزه علیه حمله به خدمات اجتماعی. سومین اجلاس که قرار است سال آینده در لندن برگزار شود، محلی است برای پاریزه شدن این فوروم و افزایش تاثیرگذاری آن.

کمک های مالی رسیده

سوئیس

مدائن	۱۰۰	فرانک
جلالی نائینی	۷۵	فرانک
به یاد افسانه اسدیان	۷۵	فرانک
حمدی اشرف	۶	فرانک
نیما-آلیدا	۵	فرانک

کانادا - ونکوور

ستاره

۲۰ دلار کانادا

مشود و نظری بهمنافع عمومی زنان تدارد." در دنباله این بحث، میگل بایاناساگ، فیلسوف آرژانتینی، فمینیسم در چالش طلبید. وی در سخنرانی خود، خواستار راه حل فمینیست ها برای نابرابری های موجود در جهان شد. او گفت: راه حل فمینیست ها چیست؟ درجه محدوده ای این راه حل ها قابل اجرا هستند؟ چرا فمینیست ها نتوانسته اند، طیف عظیم زنانی را که در جهان دربی حقوقی محض به سرمی برند به سوی خود جذب کنند؟

پیام همبستگی سازمان فدائیان (اقلیت) به کارگران اعتصابی فورد در بلژیک

رفقای اعتصابی کارخانه فورد در Genk، با درودهای رفیقانه

ما از اعتصاب شما علیه اخراج ۳ هزار تن از همکاران توان حمایت کرده و همبستگی خود را با شما اعلام می‌داریم. با تشديد بحران اقتصادي، همواره کارگران در معرض اخراج، بی حقوقی و تبعیض قرار می‌گيرند. در سراسر جهان از آمریکای لاتین تا آفریقا و آسیا میلیون‌ها تن، در بیکاری و فقر به سر می‌برند. همکاران ایرانی شما نیز قربانی این سیاست‌های اقتصادی اند و با خطر اخراج مواجه‌اند. مبارزه شما و همبستگی تان قوت قلبی است برای یارانتان در سراسر جهان.

به امید پیروزی تان درودهای گرم و همبستگی ما را بپذیرید سازمان فدائیان (اقلیت) ۲۴ اکتبر ۲۰۰۳

ازصفحه ۴

مبارزه طبقاتی و رهائی زنان (۳۲)

سانترالیسم دمکراتیک، اصلی است که حزب پر مبنای آن عمل می‌کند و به هیچ وجه آن گونه که Babroff ادعامی کند به دیکتاتوری رهبری مرکزی نیست. هنگامی که رهبری مرکزی، به نحو احسن حرکت می‌کند، در واقع تصمیماتی را اجرا می‌کند که برپایه همه جانبه‌ترین درک ممکن از مبارزه طبقه کارگر، به آن دست یافته است. لذا دمکراسی ضروری و حیاتی است تا این‌که حزب بتواند سیاست هایی را اتخاذ کند که پاسخگوی نیازهای طبقه کارگرند. اما مرکزیت نیز ضروری حیاتی است. چرا که طبقه کارگر پیوسته از طریق پیشداوری‌های بورژوازی با شکاف روپرورست و تجریه و درک از مبارزه طبقاتی در میان بخش‌های مختلف کارگران تقvaot می‌کند. حزب باید برای ناهمگویی و انقسام غلبه کند تا در مبارزه برای سوسیالیسم پیروز شود. سانترالیسم همچنین از آن رو ضروری است که مبارزه، مبارزه ای است علیه دشمنی فوق العاده مت不克ی یعنی دولت سرمایه داری.

هنگامی که رهبر حزب به شکلی دمکراتیک انتخاب شود، لازم است که کلیه بخش‌های حزب تابع آن باشند تا فعالیت هایشان انعکاس نیازهای مبارزه طبقه کارگر به مثابه تنی واحد باشد و نه اجزاء و تقسیمات جامعه بورژوازی که مادران زندگی می‌کنند. بنابراین از آنجایی که لنین فعالیت سیاسی زنان راجدی می‌گرفت، عمیقاً در آن مداخله داشت.

*- ادامه این مطلب، تحت عنوان "به سوی اکتبر" در شماره آینده درج می‌گردد.

حرقه پتروشیمی آیا . . .

ازصفحه ۸

مجلس مرثیه خوانی «جبهه مشارکت ایران اسلامی»

وضع تان بهتر از امروز باشد. اما یک رقم ظاهرا ناجیز از نظر مشارکتی ها، در محاسباتشان جا افتاده است، و آن طبقه - ایست که روزمره فدرتش را در تمام طول و عرض کشوری به نام ایران با مبارزاتش نشان می دهد که نه سلطنت طلب است ونه جمهوری خواه، نه ملی مذهبی است و نه طرفدار جمهوری اسلامی. طبقه کارگر ایران که مخالف تمام نظام اقتصادی - اجتماعی - و سیاسی حاکم برایران است، تنها طبقه - ایست که پیگراه برای برانداختن تمام نظام موجود به مبارزه ادامه می دهد. طبقه کارگر از این قدرت و توانایی برخوردار است که تمام توده های ستم دیده و زجر کشیده مردم ایران را پشت سر خود بسیج کند و جمهوری اسلامی را با تمام قدرت نظامی و سرکوب اش درهم بکوبد. اگر امروز مخالفت و مبارزه ای جدی هم در ایران وجود دارد که مایه نگرانی هر دو جناح رژیم و تمام گروهها واحزاد بورژوازی است، مبارزه همین توده های کارگر و زحمتکش است که به پا خاسته اند تا ارتتعاج حاکم بر ایران را براندازند و با دست های خود مطالباتشان را عملی سازند. در این مسیری که اوضاع سیاسی سیر می کند، دیگر جایی برای مشارکتی ها و همفکرانشان در درون و بیرون حکومت نیست. اینان حرفی که داشتنند زدند و کاری که می توانستند کردند وحالا کاری که می توانند بکنند این است مذاام که رژیم جمهوری اسلامی هنوز بر سر کار است، در کنگره های سالانه شان مرثیه سرایی کنند، مجلس یادبود دو خرد دشکیل دهند و برای تسلی خاطر خود از ظرفیت اصلاحات قانون اساسی و رژیم جمهوری اسلامی سخن بگویند.

اکنون اما زمان آن فرا رسیده است که کارگران و رحمتکشان ایران، با انقلاب و سرنگونی جمهوری اسلامی، اصلاحات را به شیوه خاص خودشان عملی کنند و نشان دهند که اصلاحات در ایران را زایده انقلاب است.

دیگر بخش های صنعت نفت مورد حمایت و پشتیبانی قرارخواهد گرفت؟ آیا آنان نیز به این اعتصابات و اعترافات خواهند پیوست؟ و آیا جرقه های پتروشیمی، حریقی را در نفت شعلهور خواهد ساخت و به اعتصاب سراسری صنعت نفت گذار خواهد کرد؟ هر کارگر آگاهی این را می داند که مبارزه با خصوصی سازی و سایر سیاست های ضد کارگری رژیم زمانی نتیجه بخش تر خواهد بود و افق های جدیدی را فراوری طبقه کارگر خواهد گشود، که این مبارزات و اعتصابات از سطح کنونی فراتر رفته و به چنین مرحله ای گذر کند.

فضا را تغییر داد و مردم را به رفع انسداد حقوقی دلگرم کرد." پس فقط این مانده است که خامنه ای، رفسنجانی، خاتمی، شاهروانی، کربوی و دیگرانی از این قماش اراده کنند تا "عملکرد مدیریت کلان کشور فضا را تغییر" دهد. "رفع انسداد حقوقی" شود و مردم چنان دلگرم شوند که در شوی انتخاباتی پیش روی نیز سراسیمه به پای صندوق های رای گیری بستابند! حالا اگر این کار را هم نکرند، اشکانی ندارد. هر چه باشد، هردو جناح، از یک سرشتم و ما" به رغم همه موانع ایجاد شده در سر راه اصلاحات، همچنان مصمم به تغییر وضع موجود به روش اصلاح طلبانه باقی میمانیم." و این "تصمیم" بودن خود را هم از طریق "انتقاد قانونی" از نوشتمن نامه های انتقادی تا طومان، از بپایی تحصن و آبستراکسیون تا استعوا" نشان خواهیم داد. اما عجالتا آنچه که لازم است فراخواندن مردم به شرکت در شوی انتخاباتی است و "جبهه مشارکت ایران اسلامی" تمامی امکانات و سرمایه خود را جهت رفع موانع مشارکت مردم در انتخابات به کارخواهد گرفت."

جبهه مشارکت، پس از آن که در مرثیه خوانی خود، پند و اندیزه های خود راخطاب به "مدیریت کلان" به پایان می رساند و در برابر جناح رقیب دست های خود راپالا می آورد، در پایان مردم را مورد خطاب قرار می دهد و می گوید فکر سرنگونی و برانداختن را از سرتان بیرون کنید، چون هیچ معلوم نیست، وضع تان بهتر از این شود، که اکنون هست. به سلطنت طبلان، جمهوری خواهان، ملی- مذهبی های خواهان رفرازدوم بر سر قانون اساسی اشاره می کند و به زبان خودش به مردم می گوید که ما وابن ها نیز از یک سرشتمی، منتها کمی با هم اختلاف عقیده داریم. ما می خواهیم کارهایی از درون رژیم بکنیم و آنها از بیرون . بنابر این خودتان را به رحمت نیاندازید هیچ معلوم نیست با رفتن جمهور اسلامی

تحمیلات رفتار کند معتبرضند و هشدار می دهند، اهمیت مسئله فقط در این همنیست که کارگران پتروشیمی علیه بیکارسازی ها، علیه زورگویی ها و برای ضمانت شغلی خود به پا خاسته و مبارزات متحده ای را هم در سطح واحد خود وهم در همانگی با سایر واحدهای پتروشیمی سازمان داده اند. گرچه این ها همه در جایی خود بسیار مهم اند و گرچه اعتصابات کارگران پترو شیمی تا همینجا هم دولت را به عقب نشینی هایی واداشته است، اما مسئله بسیار مهم دیگری که در لحظه کنونی مطرح است این است که آیا این اعتصابات و اعترافات از جانب سایر کارگران و در وهله نخست از جانب کارگران

خواهد آنها را از سر خود باز کند . صدها واحد تولیدی و شرکت دولتی اعم از این که از همان آغاز تعطیل شده باشند و یا پس از واگذاری به بخش خصوصی به تعطیلی کشانده شده باشند و یا کج دار و مریز به فعالیت ادامه دهند، عاقب بس و خیم و زیان باری را برای کارگران به همراه داشته اند که اخراج ها و بیکارسازی های وسیع، زدن حق و حقوق انتخاباتی پیش روی نیز سراسیمه به پای صندوق های رای گیری بستابند! حالا اگر این کار را هم نکرند، اشکانی ندارد. هرچند و سایر بخش های آرام آرام عملی شده است در سایر بخش های فشارگار و استثمار کمترین نتایج آن بوده است. اگر این سیاست و یا دارد می شود، این جادر بخش شرکت نفت و زیر مجموعه آن، مسئله به همان سادگی نیست. اینجا کفش شادان پور و فلان کارگاه کوچک نساجی یا تولید ماکارونی نیست که دولت بتواند روی این مسئله به همان سیاق باشند و تا تعطیلی آن پیش برود. هرچند تا آنجا که به کارگران مربوط است در همین واحد های تعطیل شده همکارگران قهرمانانه علیه دولت و کارفرمایان مبارزه کرده اند و می کنند و مبارزات آنها برای دفاع از حق و حقوق خود تحسین برانگیز هم بوده است، با این حال روش است که این بخش ها با پتروشیمی و نفت قابل فیاس نیست .

اولا کارگران بخش صنعت نفت، در زمرة آگاهترین و متکل ترین بخش کارگرانند و بنا به موقعیت خود قادر به سازمان دهنی اعتراضات و اعتصابات سراسری اند. تجربه مبارزات پیشین کارگران نفت و تجربه مبارزات متحده اند اخیر کارگران و کارکنان پتروشیمی ها، بیانگر این مسئله است. ثانیا همان طور که همه می دانند نقش و وزن صنعت نفت در کل اقتصاد ایران بسیار بالا و تعیین کننده است و همین مسئله جایگاه ویژه ای به کارگران نفت در موقعیت کل جنبش کارگری و طبقه کارگر در مصاف با نظام حاکم بخشیده است که جریان انقلاب ۵۷ نیاز این نقش ویژه و جایگاه مهم را که از جمله در شعار "کارگر نفت ما- رهبر سرسخت ما" تجلی یافت، به ثبوت رسانده است.

بنابراین دولت نمی تواند سیاست های خود را در این بخش سهل و آسان و بدون درد سرپیش ببرد . با اعتصابات و اعتراضات اخیر کارگران و کارکنان پتروشیمی و احتمال گسترش این اعتصابات، جمهوری اسلامی با یک معضل جدی روبرو شده است. با این اعتصابات در عین حال فصل جدیدی در مبارزات کارگران ایران گشوده شده است. اهمیت اعتصابات کارگران و کارکنان پترو شیمی تنها در این نیست که آنها علیه خصوصی سازی و یکی از محور های اصلی سیاست های اقتصادی رژیم، به پا خاسته اند و از موجودیت خود به عنوان انسان دفاع می کنند و به دولتی که جسارت کرده و به خود اجازه داده است با آنها چون ابزار و

مجلس مرثیه خوانی

«جبهه مشارکت ایران اسلامی»

در حالی که مبارزات توده‌های مردم ایران به اشکال مختلف علیه رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی ادامه دارد و رژیم نیز به روای گذشته به سرکوب مردم ادامه می‌دهد، جناح مسلط هیئت حاکمه برپلاش خود برای غلبه بر بحران درونی حکومت و مهارت‌ضادها در بالا افزوده است، تا شاید بدین طریق بتواند، موج عظیم نارضایتی، اعتراض و مبارزه مردم را مهار کند.

اینان از آنجایی که همه چیز را وارونه می‌بینند، دراین پندر به سر می‌برند که تضاد و بحران درپلایست که به تضادها بحران‌ها در پائین شکل داده است و نه بالعکس. بنا براین تصورشان این است که اگر مطلاقاً همه چیز درپلای در دست یک جناح باشد، دیگر نه فقط تضاد و بحرانی درپلای وجود نخواهد داشت، بلکه درپائین نیازاز آن خبری نخواهد بود و مردم، مطیع فرمانروایان خواهند شد. بنابراین از هم اکنون آستین‌ها را بالا زده اند، تا تتمه ارگان‌ها و نهادهایی را که در دست جناح رقیب باقی مانده است، باز پس بگیرند. جناح رقیب نیز ناتوان تراز آن است که توان ایستادگی داشته باشد و از هم‌اکنون دست‌های خود را به علامت تسليم بالا برده است. کنگره اخیر جبهه مشارکت ایران اسلامی که اصلی‌ترین تشکل این جناح است، به وضوح این واقعیت را نشان داد که اینان دیگر حتاً رقم حرف زدن و وعده دادن هم ندارند. آخر پس از گذشت هفت سال از آن و عده‌های پر طمطران چه بگویند. مردم دیگر نیازی ندارند که به آنها گفته شود، آب از آب تکان نخورد. منطق آهنین مبارزه طبقاتی به همگان نشان داد که ادعای اصلاحات در رژیم جمهوری اسلامی جز یک فریب چیزی دیگرنبود. راه دیگری هم نیست، یا باید تحت اسارت و سرکوب استبداد جمهوری اسلامی بود و یا با انقلاب آن را برانداخت. آیا مشارکتی‌ها می‌توانستند، این حقیقت را برزیان آورند؟ بدیهیست که نه، می‌توانستند بگویند که وعده هایشان تحقق یافته است؟ این کار را هم نمی‌توانستند بکنند. پس کاردیگری برای آنها باقی نمانده بود، جز این که کنگره شان را به مجلس مرثیه خوانی تبدیل کنند. گریه و زاری سردهند که نتوانستند روند اضمحلال و فروپاشی رژیم ارتجاع اسلامی را رسیدند

و باردیگر جناح رقیب خود را نصیحت کند و پند واندرز دهد.

آنها افسوس خوردنده برای این که "هیجان و امیدواری" کاذبی که در پی انتخاب خاتمی به ریاست وکتفند "متاسفانه مواجین امید کرده است و گفتند" به میزان زیادی فروکش کرده است و بروز یاس و سرخوردگی در میان مردم، مشخصه بارز جامعه سیاسی ایران در شرایط کنونی شده است.

جای بسی امیدواری است که حتاً از زبان مترجمین مشارکتی هم شنیده شود که حتاً عقب مانده‌ترین و ناآگاه‌ترین مردم هم این را فهمیدند که نباید به اصلاح و بهبود وضعیت خود در چار چوب نظم موجود امیدوار باشند. ارجاع اسلامی باید هم با تاسف از این آگاهی توده مردم یاد کند و مخالفین نظم موجود باید از این آگاهی توده مردم استقبال کنند.

اما چرا کاربه اینجا کشید و "انسداد" پیش آمد. پاسخ مشارکتی‌ها خیلی سرراست و ساده‌است. "با وجود شورای نگهبان و مجمع تشخیص مصلحت، عمل حق و امکان قانون-گذاری اکثریت نمایندگان مردم در مجلس تا حدود زیادی متفق شده است." نتیجتاً دو درس اخلاقی. اولاً- مادامکه شورای نگهبان و مجمع تشخیص مصلحت، وجود دارند، حق مردم و نمایندگانشان از آنها سلب شده است. ثانیاً- بعض، کل نظام سیاسی حاکم برایران نیست. چراکه آنقدر ظرفیت توسعه دمکراسی و آزادی‌های سیاسی دراین نظام وجود دارد که پایان ناپذیر است و تا همینجا هم به قدر کافی آزادی و دمکراسی در ایران وجود دارد که رژیم جمهوری اسلامی را از هر رژیم مستبدی متمایزمی سازد. پس از این قرار درایران ناختناق و دیکتاتوری عربیان حاکم است و نه استبداد و بی‌حقوقی مردم. جبهه مشارکت سوگند یاد می‌کند که دقیقاً چنین است و می‌گوید اگر خدای ناکرده روزی "اصلاحات" با شکست روبرو شود، آنگاه "نتیجه قطعی مرگ اصلاحات درایران" یا استبداد داخلی و یا سرسردگی به بیگانگان است. چیزی که اکنون پیش آمده فقط یک "انسداد" است و راه و چاره آن هم این است که با "عملکرد مدیریت کلان کشور

صفحه ۷

پست الکترونیک E-Mail:

info@fedaian-minority.org

|نشانی سازمان بر روی اینترنت:

<http://www.fedaian-minority.org>



Organization Of Fedaian (Minority)

No. 417 nov 2003

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد حکومت سورائی

برای ارتباط با سازمان فدائیان (اقلیت)،
نامه‌های خود را در دو نسخه جدا گانه
برای دوستان و آشنایان خود در خارج از
کشور ارسال و از آنها بخواهید نامه‌هایتان
را به یکی از آدرس‌های زیر پست کنند.

K . A . R
Postfach 160531
60068 Frankfurt
Germany

Kar
Postfach 260
1071 , Wien
Austria

I . S . F
P . B . 398
1500 Copenhagen V
Denmark

M . A . M
Postbox 1144
75141 Uppsala
Sweden

Sepehry
Postlagernd
3052 Zollikofen
Switzerland

A . A . A
MBE 265
23 , Rue L ecourse
75015 Paris
France

K.Z
P.O.BOX 2488
Vancouver B.C
V6B 3W7
Canada

کمک‌های مالی خود را به شماره حساب بانکی
زیر واپس و رسید آنرا به همراه کد مورد نظر به
یکی از آدرس‌های سازمان ارسال نمایید

I.W.A
6932641 Postbank
Holland

شماره‌های فکس

سازمان فدائیان (اقلیت)

۰۰۴۴۸۴۵۲۸۰۲۱۹۹

۰۰۴۴۸۷۰۱۶۸۸۲۷۱

۰۰۴۴۸۷۰۱۳۸۲۵۲۲